

موبد د گنر سهر اب خدا بخشی

## روشنگری فرهنگ ایران زمین در دوران شاهنشاهی پهلوی

شعار «خدا ، شاه ، میهن» زماست      ز «فرهنگ» روشنگری بهاست  
شعر از: سخنران

برای این سخنران مایه سرافرازی است که در دوران پنجاه ساله شاهنشاهی پهلوی زاده وزیستهام . اینک در سایه این درخت تناور و کهنسال « فرهنگ ایران » نخست از واژه شناسی که خود ستونی برگفتار است آغاز میکنم :

### واژه شناسی «فرهنگ»

از دو جزء اوستائی پر = Pra و تنگ Thangh که اولی میشوند « فرا - پیش - جلو » است و دومی بمعنای بر کشیدن است ولی هر کدام به تنهایی دیده شده ، در فرس هخامنشی نیز به همان گونه پر Pra<sup>۱</sup> و تنگ Thangh و در پهلوی جمعاً به پیکره « فرهنگ = Frahang<sup>۲</sup> » و در پارسی به فرهنگ و فرهنگ بمعنای ادب و تربیت آمده است<sup>۳</sup> و همسنگ کالجریاکولتور Culture بمعنای تربیت و Education نیز که امروز جایش آموزش و پرورش گذاشته ایم خود باز تربیت و تعلیم است که در

Culture نهفته است<sup>۴</sup> نتیجتاً «فرهنگ» بمعنای دانش و حکمت و ادب و هنر است<sup>۵</sup> و مظاهر مختلفی آن در این پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی نشان داده میشود.

### «فرهنگ» در نوشته‌های پهلوی

نمونه پهلوی: چیده اندرز یوریوتکیشان (۴۷-۴۱-۴۲) به فرهنگ خواستاری تو خشابوید، چه فرهنگ نخم دانش و برش خرد و خرد را را دینش هر دو اخوانیک، پیش گفت ایستمد که فرهنگ اندر فر اخی پیرایه اندر شکفتی پانه، اندر آستانه دستگیر و اندر تنگی پیشه<sup>۶</sup>

در اینجا که معنی آن خوب فهمیده می‌شود فرهنگ نخم دانش و میوه اش را خرد و حکمت و درستی آنرا فن و هنر می‌شناسد و در متون دیگر پهلوی<sup>۷</sup> معانی دین دبیری، بلاغت، هنر (شترنگ - چوگان - نرد - سواری - نیزه آختن) می‌دانند فرهنگ شاهنشاهی، خدا - شاه - میهن را یاد می‌کند و یکجانبه فرهنگان فرهنگ بمعنای علم‌العلوم آمده است (بنام و ستایش خدا - خرده اوستا)<sup>۸</sup>

### «فرهنگ» در نثر و نظم فارسی

فرهنگ را علم میانگین یعنی تعلیمی و ریاضی<sup>۹</sup> فضل و قدر و منزلت و هنر<sup>۱۰</sup> در نصیحت‌الملوک علاوه بر فرهنگ و سواری و نیزه آختن سیرملوک شناختن<sup>۱۱</sup> و در سلجوقنامه صفات یک‌شاه را نیزه آختن و منش‌العلوم و منبع فضائل و معنی هنر و فرهنگ و دین میدانند<sup>۱۲</sup> در راحت‌الصدر: برای پادشاهان باز خدا شناسی و عزت نفس، بلاغت، خط، نیزه آختن و فرهنگ باختن میدانند<sup>۱۳</sup> در تاریخ بی‌بغی از هر ملتی معرفت یاد می‌کند و از پارسیان مینویسد: علوم آنها آداب نفس و فرهنگ و علم اخلاق باشد<sup>۱۴</sup> در جوامع الحکایت گفته است: دبیر به لغت پهلوی دویر باشد و اهل پارس از بهر آن دبیر را دویر خوانند که به دو فرهنگ آراسته است یکی به هنر بلاغت و خط و دیگری هنر فضل<sup>۱۵</sup>. هر چند لغت دبیر از دبیر اوستا و فرس هخامنشی و پهلوی بمعنی نویسه و نویسندگی می‌آید ولی چون خود آنهم باز جزئی از فرهنگ است، این تصور عامیانه را نیز میتوان پذیرفت.

فردوسی:

نخست آفرین باد بر «دادگر»  
خداوند دیهیم ایران زمین

خداوند «فرهنگ» و دین و هنر  
وز او باد بر شهریار آفرین



منش هست و فرهنگ و رای و هنر به یزدان پرستی، شه دادگر  
بدو گفت شاهان انوشه بدی روان را به «فرهنگ» توشه بدی<sup>۱۶</sup>  
در اینجا خدا و شاه و میهن را به فرهنگ یاد کرده و یزدانشناسی و دین و هنر و رای و منش را توشه آن میدانند و بر میگردیم به مفهوم اولی چهار کلمه بادنده.

### پیشینه فرهنگ ایران باستان

ایران تجلی گاه شعار «خدا - شاه - میهن» سرزمین اوستایی «خونیرت و بهامی»<sup>۱۷</sup> شاهراه عظیم بر خورده فرهنگها و تمدنها، خورشید جهان افروز فرهنگ در افق نزدیک و دور، مشعلدار علم و ادب و عرفان و اشراق اگر فردی بر اثر گردش روزگار کج‌رفتار در زیر خاکستر زمانه نامهربان غنوده بود خاموش نشد و به کسوت و رنگ زمانه درآمد و پایدار ماند. از دیرگاهان، مادر تمدن و فرهنگ جهانی خوانده شد و نضج و گسترش آن ناشی از خصیصه فطری، قومی، اقلیمی بود، این فرهنگ و دیعه ایزدی هفت هزار ساله و بلکه جاودان بزبان نظم و نثر در ستایش نیکوئیها، راستیها، ایمانیها، در باطن اخلاق و عرفان و حکمت و ادب و شعر سیر تحول معنوی قومی روشن فکر است که با شناخت ارزش واقعی و درک مفاهیم آن بصورت یک معجزه خلاقیت و استقامت و ثبات که زبان مداحان را برانگیخت و گوئی با خداوند، آفریننده همه خوبها در تکمیل این نقش آفرینی همکاری کردند دل‌های تشنه را سیر آب و جامه‌ها را بریز ساختند خلاصه آنجا که مفهوم فرهنگ بصورت زیبایی و نیکوئی و کمال، تجلی کند جلوه گاه شادی بوجود می‌آورد، دور از تعصب و خود پسندیها و راه رستگاری همین است و بس.

بو بزرگ هر وقت شاهنشاهی فرهنگ پرورد زمام امور بدست گرفته میزان اشتیاق و سعی و علاقه مردم بالا رفته، بر خورداری از مواهب تعلیم و تربیت و اخلاق و هنر مظاهر اصولی فرهنگ از صفات عالی و سجایای انسانی شاهنشاهان پاک سرشت ایران بوده و هست<sup>۱۸</sup> کوروش آزادگر جهان و جهانیان که و امدار وی هستند نماینده فرهنگ ایزدی و اصل ایرانی بود،

داریوش به کشور مصر پزشکی بخشید، اردشیر و شاپور یکم و دوم دانش و فرهنگ  
پراکنده ایران را گرد آوردند و انوشیروان دانشگاه گندیساپور را بنیاد نهاد که  
پیشگام دانشکده بغداد بود.<sup>۱۹</sup>

آیا الهام از فرمایش زرتشت بود: تا عروا تاب و توان است خواهیم کوشید  
مردم بر آزدانائی پی بوند زیرا نماید که آدان بدش از این سرگشته بهمانند  
فرهنگ ایران باستان در دوران پنجاه ساله پسر افتخار شاهنشاهی  
پهلوی

کدام قلم را قدرت و چه زبان را بیان شمارش فقط یک فصل از صدهاست :  
اگر مملکت را زبان باشدی      ثنائی سوی شاه زمان باشدی

این فرهنگ آزاده و اصیل باستانی زنده شد و نضج گرفت و گسترده شد: با تأسیس مراکز  
آموزشی و علمی تا سطح دانشگاهها، فرهنگستان و بازگشائی آن. آموزشگاههای  
فنی و حرفه‌ای، دانشسرای عالی و تربیت معلم، مدارس قضائی و هنرستانهای مختلفه  
مدارس تکنولوژی، مرکز باستانشناسی و گروه کوش، احداث بناها بسبب معماری  
باستانی، ساختن موزه‌ها و گالریها، حفظ و حراست آثار و میراث ملی، تأسیس وسایل  
ارتباطات جمعی، مبارزه با بیسوادی، اعزام محصلین بخارج و ایجاد پرورش افکار  
و پیشاهنگی تأسیس لژیون خدمتگذاران بشر، بنیاد پهلوی و کتابخانه پهلوی؛  
شورای فرهنگی سلطنتی سازمان شاهنشاهی و خدمات آن به بهداشت و فرهنگ کشور  
چاپ کتب درسی بطور رایگان، سرپرستی جشنواره و سمینارها و کنسرتها و  
بزرگداشتها چه در زمینه ادب و فرهنگ و هنر و نتیجتاً رسیدن به هدف اصول انقلاب  
شاهانه و رسیدن به اوج کمال و فضیلت در سایه نام «رستاخیز»<sup>۲۱</sup> که خود  
بازتابی است از ما حاصل فرهنگ ایران باستان که در ۵۱ یان دیگر مؤثر بود  
این سخنران آنچه بخواند اضافه کند بر رأی العین در «شاه فرمایش» در کتاب  
بزرگ جهان ایرانشناسی در سال ۱۳۴۵ جهانتاب است<sup>۲۲</sup>

«حاصل کار این گنگره «مکاری علمی و فرهنگی جهانی در تألیف تاریخ  
کامل ایران در نوای فرهنگ ایرانی، یعنی تاریخی خواهد بود که همانقدر

متعلق به ماست، متعلق به همه عالم بشریت است، این تاریخ تمدن و  
فرهنگ انسانی است نه تاریخ فنیخ و شکستها، ما بیش از آنچه از دیگران  
گرفته‌ایم، بجهان داده‌ایم و این تنها دادوستدی است که دهنده آن نه تنها  
چیزی از دست نمیدهد بلکه زیاد تر بدست می‌آورد. منتها ایرانی آنچه گرفته  
بر آن مهر نبوغ اصیل ایرانی زده است»

پرنو جانبخش این فرهنگ اصیل و ریشه دار باستانی از دیرگاه تا گاه رستاخیز  
از جانب شاهنشاه آریامهر از دامنه البرز بر کشور آریا و جهانیان تأیید و این  
حقیقتی است شکفت که در مهر یشت متعلق بسه هزار سال پیش با انشائی شیوا در  
بار آریامهر بیان شده امروز به عیان است: آن فروغی که در سرزمین آلاشت در  
دل البرز کوه طلوع کرد بعداً در دامنه البرز در بالای شهر باستانی ری (و تهران امروز)  
مرکز فرهنگ باستانی ایران دوباره جهانتاب شد.

مهر یشت کرده ۴ (بند ۱-۲) (۲۳)

۱- مهر، پیوندگر دلها را میستائیم

۲- اوست نخستین ایزد مینوی که بر تازک البرز بر آید فرآپیش  
نمایش خورشید جاودان تیزرو باز بوره‌های آراسته زرین بر فراز کوه زیبا  
آن «آریامهر»ی که بسیار تواناست و پرتو می‌افکند بر همه سامانهای آریائی.

### زیر نویس (منابع و مأخذ)

- 1- Old Persian Inscriptions By Prof. N Sharp. Pahl. Uni, 1972
- 2- The Sacred Books of The East. By Dr. West. Oxford, 1965
- ۳- برهان قاطع: محمد حسین خلیف تبریزی، چاپ محمد عباسی، تهران ۱۳۳۶ خورشیدی.
- فرهنگ نفیسی: علی اکبر نفیسی (ناظم الاطباء) ۱-۵، تهران، ۱۳۴۳ خورشیدی
- لغت نامه دهخدا: جزوه «ف»: سازمان لغت نامه دهخدا، تهران ۱۳۴۷ خورشیدی
- 4- Wyld (H.C.): The Universal Dictionary of English, London 1957.
- ۵- از متن سخنرانی نگارنده در سومین گنگره تحقیقات ایرانی، دانشگاه تهران  
تحت عنوان «زبان پارسی سره» ۲۵۳۰ شاهنشاهی.
- 6- Hoshang Jamasp: Pahlavi Texts (andarz-i- Paurt Kaeshan  
Chitaki Bombay 1907.

7- The Sacred Books of The East, Vol. 5, Pahlavi Texts, Translated By E.W. West, Part I. Oxford, 1965.

8- Khurtak avesta(1) By Sethna, 1976.

۹- قابوسنامه : عنصرالمعالی کیکاوس اسکندر قابوس وشمگیر، ویراسته غلامحسین

یوسفی تهران ۱۳۴۵ خورشیدی

۱۰- نصیحت الملوك : محمد پسر محمد ، محمد احمد غزالی طوسی ، ویراسته

جلال همائی تهران ۱۳۱۷ خورشیدی

۱۱- سلجوقنامه : ظهیرالدین نیشابوری و ذیل آن ازابو حامد محمد ابراهیم ، چاپ

کلاله خاور، تهران ۱۳۳۲ خورشیدی

۱۲- سلجوقنامه : ظهیرالدین نیشابوری و ذیل آن ازابو حامد محمد ابراهیم ، چاپ

کلاله خاور، تهران ۱۳۳۲ سورشیدی

۱۳- راحة الصدور وآية السرور: محمدعلی سلیمان راوندی ، ویراسته محمد اقبال

تهران ۱۳۴۳ خورشیدی

۱۴- تاریخ بیهقی : ابوالحسن علی بن زید بیهقی ، ویراسته احمد بهمن یار، تهران

۱۳۱۷ خورشیدی

۱۵- جوامع الحکایات : محمد عونی ، بکوشش محمد تقی بهار، تهران ۱۳۲۴

۱۶- شاهنامه فردوسی: وولرس ، بکوشش درویش خان، چاپ بروخیم، تهران ۱۳۱۲

17- English- avesta Dictiooary By Edalji Kanga, Bombay 1901

۱۸- از متن سخنرانی نگارنده در کنگره جهانی ایرانشناسی در جشن ۲۵۰۰ ساله

شاهنشاهی در تالار فرهنگ و هنر ایران تحت عنوان «پیوند شاه و مردم در ایران شش هزار ساله»

تهران ، ۲۵۳۰ شاهنشاهی

۱۹- پزشکی در ایران باستان: تألیف دکتر سهراب خدابخشی (رساله دکتری پزشکی)

تهران ۱۳۳۲ خورشیدی برابر ۲۵۱۴ شاهنشاهی

20- Divine Songs of Zarathushtra By Dr. Irich Taraporewala, Bombay 1951

۲۱- فرمایشات گهربار شاهنشاه آریامهر در کنگره عمومی سالیانه حزب رستاخیز

ملت ایران سال ۲۵۳۴ شاهنشاهی

۲۲- فرمایشات گهربار شاهنشاه آریامهر در اولین کنگره عمومی جهان ایرانشناسی

۱۳۴۵

۲۳- ادبیات مزدیسنا (یشتها جلد اول) تألیف ابراهیم پورداود بمبئی ۱۳۰۷ خورشیدی